

انتظارات امام حسن مجتبی (علیه السلام) از شیعیان

<"xml encoding="UTF-8?">



RASHID HOSSAINI
TOPOGRAPHY BY

نیمه ماه خدا نور خدا آمد خوش آمد	سبط پیغمبر امام مجتبی آمد خوش آمد
شد گلستان دامن زهرا ز ریحان محمد	میوه قلب علی مرتضی آمد خوش آمد
حجّت آمد، رحمت آمد مقدمش بادا مبارک	سَرَوَز آمد، رهبر آمد، مقتدا آمد خوش آمد
آن حَسَن خُلُق و حَسَن خوی و حسن روی و حسن مو	آیت نور خدا، سر تا پیا آمد خوش آمد
نور ایزد، پور احمد، جان احمد، روح زهرا	مَظْهَرِ حِلْم و عطا، صدق و صفا آمد خوش آمد
بَدْر ساطع، حِلْم شافع، صبر جامع، صلح قاطع	آنکه دارد این صفات از کبریا آمد خوش آمد

مقدمه

در نیمه ماه مبارک رمضان سال سوم هجری اولین فرزند خانواده علی و زهرا (علیها السلام) پا به عرصه وجود گذاشت و نشاط و شادی را در بیت نبوت و امامت به ارمغان آورد.

امام هشتم (علیه السلام) از پدران خود از علی بن الحسین (علیه السلام) و او از اسماء بنت عمیس جریان ولادت و نامگذاری آن حضرت را این گونه گزارش نموده است.

اسماء می گوید: من قابله جدّه ات فاطمه (علیها السلام) هنگام ولادت (امام) حسن (علیه السلام) و (امام) حسین (علیه السلام) بودم، پس آنگاه که امام حسن متولد گشت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمد و فرمود: اسماء! (1) پسر من را بیاور. او را در پارچه زردی پیچیده، خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بردم.

حضرت آن پارچه را کنار انداخت و فرمود: اسماء! مگر من سفارش نکرده بودم که نوزاد را با پارچه زرد نپیچید. پس او را در پارچه سفیدی پیچاندم و به دست حضرت دادم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در گوش راست او اذان، و در گوش چپش اقامه خواند، سپس به علی (علیه السلام) رو کرد و فرمود: پسر من را چه نامیده ای؟ علی (علیه السلام) گفت: «ما كُنْتُ لِأَسْبِقَ بِاسْمِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ ای رسول خدا! در نامگذاری بر شما سبقت نمی گیرم»، ولی دوست داشتم اسم او را «حَرْب» گذارم.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: من هم بر پروردگار در نامگذاری این طفل سبقت نمی گیرم. پس آنگاه جبرئیل فرود آمد و عرضه داشت: ای محمد! عَلِيُّ أَعْلَى به شما سلام می رساند و می فرماید: علی نسبت به شما مثل هارون نسبت به موسی است، جز آنکه بعد از تو پیغمبری نخواهد آمد. این پسرت را به نام پسر هارون نام گذاری کن. پرسید، اسم پسر هارون چه بود؟ جبرئیل گفت: شَبْر. حضرت فرمود: زبان من عربی است. جبرئیل گفت: «سَمِّهِ الْحَسَنَ؛ اسم او را حسن بگذار.»

اسماء می گوید: پس او را حسن نامید. پس از آن چون روز هفتم فرا رسید، رسول خدا دو گوسفند قوچ برای او عقیقه کرد و یک ران با یک دینار طلا، به قابله (دایه) داد و سر او را تراشید و هم وزن موی او نقره صدقه داد و سر او را خوشبو کرد. (2)

آنها از این قرار است:

1. رعایت بهداشت در مورد نوزادان با پیچیدن در پارچه سفید؛
 2. خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد، که در واقع تلقین عقائد و معارف بحساب می آید؛
 3. نامگذاری امر مهمی است و این امر باید به بزرگان واگذار شود و علی (علیه السلام) این کار را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و او به خدا واگذار می کند؛
 4. استحباب عقیقه که بیمه عمر طفل به حساب می آید؛
 5. تراشیدن سر نوزاد؛
 6. صدقه دادن که باعث سلامتی نوزاد می شود؛
 7. خوشبو نمودن طفل؛
 8. توجه خاص به دایه و قابله داشتن.
- آنچه پیش رو دارید، بیان برخی انتظارات و توقّعاتی است که امام حسن مجتبی (علیه السلام) از امت اسلامی؛ بخصوص از شیعیان دارد. امید آنکه در ماه مبارک رمضان ره توشه ای برای رهروان کوی دوست باشد.

1. خدا محوری

از مهمترین انتظاراتی که تمام انبیاء و اولیاء از بندگان خدا، داشته اند و دارند این است که مردم در کارها و رفتارها خدا محور باشند و رضایت الهی و خداوندی را در تمام امور محور و اساس قرار دهند. امام حسن مجتبی (علیه السلام) نیز که خود خدا محور و سرا پا اخلاص بود، از امت اسلامی و شیعیان خویش توقّع و انتظار دارد که رضایت الهی را محور فعالیت خویش قرار دهند. این توقّع را گاه با بیان زیان مردم محوری و خارج شدن از

محور رضایت الهی ابراز می دارد، آنجا که فرمود: «مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَ مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَ كَلَّهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ؛ (3) هر کس رضایت خدا را بخواهد هر چند با خشم مردم همراه شود؛ خداوند او را از امور مردم کفایت می کند و هر کس که با به خشم آوردن خداوند دنبال رضایت مردم باشد، خدا او را به مردم وا می گذارد.»

و گاه فوائد خدا محوری و در نظر گرفتن رضایت الهی را به زبان می آورد و می فرماید: «أَنَا الصَّامِنُ لِمَنْ لَمْ يَهْجُسْ فِي قَلْبِهِ إِلَّا الرِّضَا أَنْ يَدْعُوَ اللَّهَ فَيُسْتَجَابَ لَهُ؛ (4) من ضمانت می کنم برای کسی که در قلب او چیزی نگذرد جز رضا (ی خداوندی)، که خداوند دعای او را مستجاب فرماید.»

مخصوصاً در ماه مبارک رمضان که ماه تمرین اخلاص و دستیابی به رضایت الهی است، این توقّع دو چندان می شود؛ چرا که هدف اصلی از ماه مبارک رمضان این است که امت اسلامی و شیعیان برای فتح قلّه رضایت الهی مسابقه دهند و در پایان ماه، همه بر آن قلّه صعود کنند. راوی از حضرت امام حسن (علیه السلام) این مهم را چنین نقل می کند: امام حسن (علیه السلام) روز عید فطر بر گروهی از مردم گذر کرد که مشغول بازی و خنده بودند، بالای سر آنها ایستاد و فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِصْمَارًا لِيَخْلُقَ فِيهِ سَبَقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى مَرْضَاتِهِ فَسَبَقَ قَوْمٌ فَفَازُوا وَ قَصَرَ آخَرُونَ فَخَابُوا؛ (5) به راستی، خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه برای خلق خود قرار داده است تا به وسیله طاعت او برای جلب رضایت خداوند بر یکدیگر سبقت گیرند. مردمی سبقت گرفتند و کامیاب گشتند و دیگران کوتاهی کردند و ناکام ماندند.»

رسیدن به رضایت الهی آرزوی تمام انبیاء بوده است. لذا در روایت آمده است که «موسی (علیه السلام) عرض کرد: خدایا! مرا به عملی راهنمایی کن که با انجام آن به رضایت تو دست یابم. خداوند وحی کرد که ای فرزند عمران! رضایت من در سختی و گرفتاری تو است که طاقت آن را نداری. موسی به سجده افتاد و مشغول گریه شد...، سرانجام وحی شد که ای موسی! رضایت من در رضایت تو به قضا و تقدیرات من است.» (6)

2. فراگیری دانش

علم و دانش کلید خیرات و دستیابی به سعادت است. بدون دانش نه راه سعادت معلوم است و نه حرکت ممکن؛ به همین جهت از مهم ترین مأموریت های انبیا در طول تاریخ، تعلیم کتاب و آموزش مسائل دینی و تربیتی بوده است. از مهمترین توقّعات امامان معصوم علیهم السلام از شیعیان این است که اهل دانش و فراگیری حکمت باشند.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند: «عَلَّمَ النَّاسَ عِلْمَكَ وَ تَعَلَّمَ عِلْمَ غَيْرِكَ؛ (7) دانش خود را به مردم بیاموز و دانش دیگران را یادگیر.»

خداوند تمام امکانات فراگیری دانش را در اختیار ما قرار داده است. لذا لازم است که از چشم و گوش و فرصتها بیشترین استفاده را ببریم و با فراگیری دانش، شک و شبهه را از دل و درون خویش بیرون برانیم.

امام حسن (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْخَيْرِ مَذْهَبُهُ وَ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذَكُّيرَ وَ انْتَفَعَ بِهِ وَ اسْلَمَ الْقُلُوبَ مَا طَهَّرَ مِنَ الشُّبُهَاتِ؛ به راستی، بیناترین دیده ها آن است که در خیر نفوذ نماید، و

شنواترین گوشها آن است که تذکرات (دیگران) را بشنود و از آن بهره مند شود و سالم ترین دلها آن است که از شک و شبهه پاک باشد.» (8)

3. اندیشیدن و تفکر

علم و دانش آنگاه نتیجه بخش و ثمرده خواهد بود که با تفکر و تدبّر همراه باشد. خواندن و فراگیری قرآن نیز آنگاه مفید و مثمر خواهد بود که با تدبّر و تفکر همراه شود. از مهم ترین انتظاراتی که امامان ما از شیعیان خویش داشته و دارند، این است که اهل اندیشه و تفکر باشند. آنان این توقّع را با بیانه‌های مختلف ابراز نموده اند. امام مجتبی (علیه السلام) می فرماید: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِدَامَةِ النَّفْكَرِ، فَإِنَّ النَّفْكَرَ أَبُو كُلِّ خَيْرٍ وَ أُمُّهُ؛ (9) شما (شیعیانم) را به پروا پیشگی و اندیشیدن دائم سفارش می کنم؛ زیرا تفکر پدر و مادر (و ریشه و اساس) تمامی خوبیها است.»

در جای دیگر فرمود: «عَلَيْكُمْ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ مَفَاتِيحُ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ؛ (10) بر شما (شیعیان) لازم است که اندیشه کنید؛ زیرا فکر کلیدهای درهای حکمت است.»

راستی اگر امت اسلامی بیشتر اندیشه و تفکر می کردند و به آن عمل می نمودند، این همه عقب ماندگی و مشکلات نداشتند و این همه محل تاخت و تاز استعمارگران و ابرقدرتها قرار نمی گرفتند.

گاه دل مولا امام حسن (علیه السلام) بدرد آمده و با زبان گلایه اظهار می دارد: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَا كُؤِلَهُ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيُجَنَّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُزْدِيهِ؛ (11) در شگفتم از کسی که در (چگونگی استفاده از) خوراکیهای خود اندیشه می کند ولی درباره معقولات خویش اندیشه نمی کند. پس از آنچه معده اش را اذیت می نماید دوری می کند، در حالی که سینه (و روح) خود را از پست ترین چیز پر می کند.»

راستی در کدام مکتب و مذهب جز اسلام و تشیع پیدا می کنید که این همه بر علم و دانش، تدبّر و تفکر، اندیشه و تعقل سفارش و تاکید نموده باشند.

4. تلاش و کوشش

فکر و اندیشه، و یا تأمل و تدبّر، آن گاه ارزش حقیقی و عینی خویش را نشان می دهد که منجر به عمل و تلاش و سعی و کوشش شود، وگرنه تفکری که منهای عمل باشد، ارزش واقعی نخواهد داشت. در واقع فکری مطلوب و کارساز است که به عمل و تلاش بینجامد.

یکی از انتظارات امام حسن (علیه السلام) این است که بندگان الهی در کنار علم و اندیشه، اهل تلاش و عمل باشند. آن حضرت فرمود: «اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَ جِدُّوا فِي الطَّلَبِ وَ تَجَاهِ الْهَرَبِ وَ بَادِرُوا الْعَمَلَ قَبْلَ مُقْطَعَاتِ النَّقِمَاتِ وَ هَادِمِ الدَّاتِ، فَإِنَّ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ نَعِيمُهَا وَلَا تُؤْمَنُ فَجِيعُهَا وَلَا تَتَوَقَّى مَسَاوِيهَا، غُرُورٌ حَائِلٌ وَ سِنَادٌ مَائِلٌ؛

(12) ای بندگان خدا! پرواپیشه باشید و برای رسیدن به خواسته ها تلاش کنید و از کارهای ناروا بگریزید و قبل از آنکه ناگواریها به شما روی آورند و نابود کننده لذات (یعنی مرگ) فرا رسد، به کار(های نیک) مبادرت ورزید، پس براستی نعمتهای دنیا دوام ندارند و (کسی از) خطرات و بدیهای آن در امان نیست. (دنیا) فریبکار زودگذر و تکیه گاهی سست و بی اساس است.»

نکته دیگری را که حضرت مجتبی (علیه السلام) علاوه بر اصل تلاش و عمل گوشزد می کند و انتظار دارد که به آن توجه شود، این است که انسان هم باید برای دنیا کار و تلاش کند و هم برای آخرت. کلام نغز و دلنشین امام حسن (علیه السلام) در این باره چنین است: «وَأَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ أَعْمَلْ لآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا؛ (13) برای دنیایت چنان کار کن که گویا برای همیشه (در این دنیا) خواهی بود. و برای آخرت (نیز چنان) سعی و تلاش کن که گویا فردا از دنیا خواهی رفت.»

طالب علمی به عالمی گفت: نیمه شبها و قبل از سحرها بیدار می شوم، درس بخوانم بهتر است و یا نماز شب؟ عالم در جواب او گفت: کاری کن که هم درس بخوانی و هم نماز شب. نه درس فدای نماز شب و عبادت شود، و نه عبادت فدای درس و منبر، نه کار بخاطر عبادات مستحبی و... کنار گذاشته شود، و نه عبادات واجب و مقداری مستحب بخاطر کار یا اضافه کاری به تأخیر افتاده و یا از دست برود.

5. صبر و بردباری

از یک سو دنیا جای حوادث و مصائب است و از طرف دیگر، انجام عبادات و کنترل شهوات نیاز به قدرت و نیرو دارد، آنچه انسان را در مقابل حوادث و مصائب نیرومند و مقاوم می سازد، صبر و بردباری است و آنچه انسان را بر انجام عبادات نیرو و توان می بخشد، استقامت و پایداری است. و آنچه انسان را بر شهوات غالب و پیروز می سازد، صبر و پایداری است. از انتظارات مهم امام حسن مجتبی (علیه السلام) این است که شیعیان و پیروان او در تمام مراحل زندگی صابر و بردبار باشند، حضرتش در این زمینه دلسوزانه می فرماید: «جَرَّبْنَا وَ جَرَّبَ الْمُجَرَّبُونَ فَلَمْ نَرْ شَيْئًا أَنْفَعُ وَ جَدَانَا وَ لَا أَصْرُ فِقْدَانَا مِنَ الصَّبْرِ ثُدَاوِي بِهِ الْأُمُورُ؛ (14) تجربه ما و دیگران نشان می دهد که چیزی نافع تر از داشتن صبر، و زیانبارتر از فقدان بردباری دیده نشده است، صبری که بوسیله آن تمام (دردها و امور درمان می شود.) راستی که باید گفت:

صد هزاران کیمیا حق آفرید	کیمیایی همچو صبر، آدم ندید
--------------------------	----------------------------

امام مجتبی (علیه السلام) در کلام دیگری فرمود: «الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَّ فِيهِ الشُّكْرُ مَعَ النُّعْمَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ؛ خیري که شر ندارد، شکر در حال نعمت و بردباری در مقابل ناگواری است.» (15)

کلید صبر کسی را باشد اندر دست	هر آینه در گنج مراد بگشاید
به شام تیره محنت بساز و صبر نما	که عاقبت سحر از پرده روی بنماید

6. دقت در دوستیابی

رفیق و دوست عمیق ترین تأثیر را بر زندگی و رفتار انسان دارد، تا آنجا که گفته شده: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ؛ انسان بر آیین رفیقش است.» به این علت در قرآن و روایات، سخت بر آیین دوست یابی تأکید و سفارش شده است. امام حسن مجتبی (علیه السلام) نیز از نزدیکترین افراد خانواده تا شیعیان انتظار دارد که در انتخاب دوست و رفیق دقت بخرج دهند و مراقب باشند که در دام دوستان ناباب گرفتار نشوند. در سفارشی به یکی از فرزندان خویش فرمود: «يَا بُنَيَّ لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ، فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخُبْرَةَ وَ رَضِيتَ الْعِشْرَةَ فَآخِهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعَثْرَةِ وَ الْمُوَاسَاةِ فِي الْعُسْرَةِ؛ (16) پسر من! با هیچ کس برادری (و دوستی) مکن مگر آنکه (اول) بدانی کجا رفت و آمد دارد و از چه خانواده ای می باشد، هر گاه به این مسئله پی بردی و معاشرت و دوستی او را (طبق معیارها) پسندیدی، پس با او برادری (و دوستی) کن، در گذشتن از لغزشها و همدردی در سختی.»

حضرت در این باره فقط به سفارش اکتفا نکرده، بلکه گاه به معرفی الگوهای عینی، و دوستانی که خود بر اساس معیارهای مطلوب انتخاب نموده می پردازد، و درباره یکی از دوستان خود چنین می فرماید: «او از دیدگاه من از همه مردم بزرگتر بود و اساس بزرگی او به دیده من، کوچکی دنیا در دیده او بود، از سلطه جهالت برون بود. دست دراز نمی کرد مگر نزد کسی که مورد اعتماد بود و سودی در آن وجود داشت، نه شکایتی داشت و نه خشمگین و ناخشنود بود، بیشتر روزگارش را خاموش بود، پس هنگامی که سخن می گفت بر گویندگان و زبان آوران غلبه می یافت. مردی افتاده بود و مردم ناتوانش می انگاشتند؛ اما همین که زمان تلاش و جدیت فرا می رسید، شیر بیشه را می ماند!»

حضرت در ادامه بیان اوصاف دوست خویش می فرماید: «كَانَ إِذَا جَامَعَ الْعُلَمَاءَ عَلَى أَنْ يَسْتَمِعَ أَحْرَصَ مِنْهُ عَلَى أَنْ يَقُولَ، كَانَ إِذَا غُلِبَ عَلَى الْكَلَامِ لَمْ يُغْلَبْ عَلَى السُّكُوتِ، كَانَ لَا يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ وَ يَفْعَلُ مَا لَا يَقُولُ، كَانَ إِذَا عُرِضَ لَهُ أَمْرَانِ لَا يَدْرِي أَيُّهُمَا أَقْرَبُ إِلَى رَبِّهِ نَظَرَ أَقْرَبَهُمَا مِنْ هَوَاهُ فَخَالَفَهُ، كَانَ لَا يَلُومُ أَحَدًا عَلَى مَا قَدْ يَقَعُ الْعُذْرُ فِي مِثْلِهِ؛ (17) چون با دانشمندان جمع می شد به شنیدن بیشتر شیفته بود تا به گفتن. اگر در سخن مغلوب می شد، در خاموشی مغلوب نمی گشت. آنچه را انجام نمی داد نمی گفت، ولی کارهایی انجام می داد که آن را به زبان نمی آورد. اگر در مقابل دو کار قرار می گرفت که نمی دانست کدامیک از آن دو خدا پسندانه تر است، آن را انجام نمی داد که نفسش می پسندید، هیچ کس را به کاری که زمینه عذر در آن بود سرزنش نمی کرد.» سخن را با شعری درباره کریم اهل بیت علیهم السلام به پایان می بریم: (18)

ماییم و کرامات خدا دادِ حسن	میلاد کرامت است، میلاد حسن
دوریم گر از مدینه امروز ولی	ما را به مدینه می برد یاد حسن

پی نوشت ها :

1. اسماء بنت عمیس از زنان سعادت مند شمرده می شود، او اول همسر جعفر بن ابی طالب بود که از او سه پسر آورد بنام، عبدالله (شوهر حضرت زینب)، عون و محمد. پس از شهادت جعفر در جنگ موته، با ابوبکر ازدواج نمود

- که محمد بن ابوبکر را به دنیا آورد و بعد از ابوبکر با امیر مؤمنان (علیه السلام) ازدواج کرد که ثمره آن پسری به نام یحیی بود.
2. بحار الانوار، ج 43، ص 238 و ر. ک: هاشم معروف الحسنى، سيرة الائمة الاثنی عشر (قم، منشورات الشریف الرضی) ج 1، ص 462.
3. محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج 4، ص 153.
4. بحار الانوار، ج 43، ص 351.
5. تحف العقول (همان)، ص 410، شماره 22.
6. منتخب میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ص 221، شماره 2628.
7. بحار الانوار، ج 75، ص 111.
8. علی بن شعبه، تحف العقول، انتشارات آل علی (علیه السلام)، چاپ اوّل، 1382، ص 408، شماره 17.
9. مجموعه ورام، ج 1، ص 53.
10. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج 8، ص 245.
11. بحار الانوار، ج 1، ص 218.
12. بحار الانوار، ج 75، ص 109؛ تحف العقول (همان) ص 408، شماره 20.
13. بحار الانوار، ج 44، ص 139.
14. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 1، ص 320.
15. تحف العقول (همان) ص 404، شماره 8.
16. همان، ص 404، شماره 3.
17. همان، ص 406، شماره 13.